

## رویکردی آینده پژوهانه به چشم انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی

۱ رضا ابروش

۲ سید محمد مبینی پور

۳ فاطمه هنروان

### چکیده

تفکر «منجی گرایی» و «اعتقاد به نجات بخش جهانی»، نزد اقوام و ملل، با آیین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت مطرح است. چشم‌اندازی که ادیان در مورد نجات در آخرالزمان ارائه می‌کنند، در تبلور جایگاه ادیان و استقبال مردم از آن دین نقش مهمی خواهد داشت. ادیان غیر ابراهیمی همانند ادیان ابراهیمی دارای چشم‌انداز نجات در آخرالزمان هستند. آنچه به عنوان مسئله در این پژوهش مورد توجه است، «درک و تبیین چشم‌انداز منجی گرایی در آخرالزمان در ادیان غیر ابراهیمی» است. از این‌رو، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین چشم‌انداز ابعاد نجات در رویکرد منجی گرایی، درصدد تبیین ویژگی‌های منجی و علائم ظهور آن و چرخه نجات در ادیان غیر ابراهیمی است. براساس بررسی‌های انجام شده، چشم‌انداز منجی در ادیان غیر ابراهیمی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که هر یک از ادیان دارای علائمی در سه سطح قبل، حین و بعد از ظهور می‌باشد. در چرخه ظهور نیز هر یک از ادیان دارای رویکردهای مختلف و متمایزی است که این رویکردها در قالب دو رویکرد «خطی» و «دوری» قابل طرح و بررسی هستند.

**واژگان کلیدی:** منجی، چشم‌انداز نجات، ادیان غیر ابراهیمی، چرخه نجات.

Abravesh@maaref.ac.ir

۱. استادیار گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول)

Smmp1346@gmail.com

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد شهرضا

۳. دانش‌آموخته رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی

onarvaran.fatima@gmail.com

## مقدمه

وجود مقوله‌ای به نام «چشم انداز»، بخش جدایی ناپذیر در بررسی مؤلفه‌هایی است که به نوعی با مفهوم «آینده» در ارتباط است (مونرو، ۱۳۸۹: ص ۱۹). «چشم انداز»، افقی از آینده مطلوب برای افراد و جوامع ایجاد می‌کند. به طور معمول، افراد با مروری بر رویدادهای گذشته و وضعیت کنونی، به سوی آینده‌ای مطلوب و شناسایی راه‌های مخصوص برای رسیدن به آن حرکت می‌کنند (www.wfs.org/methods/visioning). «چشم‌انداز»، عمده‌ترین نیروی انگیزشی بشر است. از همین رو، در پشت انجام دادن هر کار، باید چشم‌اندازی وجود داشته باشد. چشم‌انداز نحوه رفتار در زندگی را رقم می‌زند. فقدان چشم‌انداز، به معنای فقدان معیاری است که زندگی را به سمت و سویی معین هدایت می‌کند و زندگی بدون لمس مسیر، به معنای کارهایی است بدون هدف و منابعی بدون استفاده. به همین دلیل چشم‌انداز را می‌توان شاهد زندگی، پیشین‌از‌اشتیاق و مایه ابرام و پشتکار فعالیت‌های زندگی برشمرد (مونرو، ۱۳۸۵: ص ۲۶).

«اعتقاد به منجی و آموزه نجات»، یکی از دیرینه‌ترین چشم‌اندازهای بشر در طول تاریخ بوده که همواره مورد توجه جدی جوامع قرار گرفته است. انسان‌ها از گذشته دور همواره نسبت به نجات خود دغدغه داشته و این به نجات اخروی و معاد منحصر نمی‌باشد، بلکه سرانجام سعادت در این دنیا را نیز شامل می‌شود. این اعتقاد در ادیان غیرابراهیمی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا اعتقاد به منجی و مصلح جهانی برای جامعه بشری، چشم‌اندازی ارزشمند تلقی می‌گردد؛ زیرا اگر ناامیدی و یأس در جامعه ایجاد شود، سعادت و خوشبختی آن جامعه از لحاظ گوناگون در معرض سقوط قرار می‌گیرد. اگر جامعه انسانی ناامید و بدون چشم‌انداز به زندگی ادامه دهد، نمی‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای انسانی را در جامعه گسترش دهد؛ در نتیجه نمی‌توانند زندگی توأم با خوشبختی و آسایش را برای اعضای جامعه تضمین کند. به همین دلیل، ادیان مختلف نسبت به مقوله چشم‌انداز نجات، اهتمام جدی دارند.

در این بین، ادیان غیرابراهیمی نیز به موضوع و بحث در زمینه چشم‌انداز نجات پرداخته و در این خصوص آموزه‌ها و مباحثی ارائه می‌کنند. ادیان غیرابراهیمی نیز به وضوح این را دریافته‌اند که ترسیم چشم‌انداز نجات، می‌تواند نوعی اطمینان خاطر و آرامش درونی برای ارکان جامعه ایجاد کند. هدف این پژوهش، «تبیین و تحلیل چشم‌انداز نجات در ادیان غیرابراهیمی» است. این



پژوهش درصدد است تا موضوعات و ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور، این سؤال مطرح می‌شود که چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی بر چه موضوعاتی تمرکز دارد؟ در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر و مطالعات انجام شده در این حوزه گردآوری شده و این اطلاعات با روش توصیفی - تحلیلی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. تبیین و تحلیل ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی موجب می‌شود تا بتوان از این ادیان نسبت به ترسیم آخرازمان و آموزه نجات درکی صحیح به دست آورد.

## مفهوم شناسی

### ۱. منجی

«منجی» در لغت به معنای نجات دهنده و نجات بخش است (انوری، ۱۳۸۱: ص ۷۳-۹۳). این واژه از ریشه «نجی» و «نجو»، به معنای رهایی بخش و خلاص کننده از چیزی است. همچنین لغت شناسان مفهوم واژه نجات را خلاص (ابن منظور، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ص ۳۰۴)؛ جداشتن چیزی و رهایی از هلاکت و شر (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۱۸۶)؛ معنا کرده‌اند. این واژه در قرآن، به خلاص و رهایی معنا شده است: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا» (مریم: ۷۲)؛ «وَأُنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا» (نمل: ۵۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۷۹۲). منظور از منجی در این پژوهش، نجات دهنده‌ای جهانی است که برای رهایی و نجات انسان‌ها آفریده شده است.

### ۲. چشم‌انداز نجات

«چشم‌انداز» به عنوان یکی از موضوعات محوری در آینده پژوهی (عنایت الله، ۱۳۸۸: ص ۱۱)؛ فضایی از آینده را ترسیم می‌کند. به این صورت که مختصاتی از آینده را نقش می‌زند (پورعزت، ۱۳۸۹: ص ۸۷). از لحاظ مفهومی، به آنچه از آینده در نظر مجسم می‌شود، «چشم‌انداز» می‌گویند (انوری، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۳۵). در اصطلاح نیز به معنای بینش و دور اندیشی مبتنی بر تصور و تجسم آینده است (رضائیان، ۱۳۸۲: ص ۲۱-۳۰). براساس برخی از مطالعات انجام شده، چشم‌انداز همراه با بینش درونی براساس بازاندیشی، ارائه کننده چیزهایی است که پروردگار در جهان معنا تدارک دیده است (مونرو، ۱۳۸۵: ص ۴۱). به همین



دلیل چشم انداز باید هر دو بعد مادی و معنوی را شامل باشد (عنایت الله، ۱۳۸۸: ص ۱۱-۱۲). در این صورت است که چشم انداز از قدرت کششی بالایی برخوردار می‌شود و با ایجاد ذهنیت، حس، مقصد و عزم مشترک، موجب حرکت به سمت تعالی و سعادت می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۹: ص ۳۵). منظور از چشم‌انداز نجات در این پژوهش، شمایی<sup>۱</sup> از آینده ظهور منجی می‌باشد؛ به طوری که مختصات رهایی از آلودگی‌ها، ستم و خشونت در آخرالزمان را ترسیم می‌کند. چشم‌انداز، نجات در دو بُعد مادی و معنوی و نیز انگیزه‌های درونی برای تحقق بخشیدن به جامعه‌ای عاری از هرگونه پلیدی و پلشتی را مهیا می‌کند.

### پیشینه نظری پژوهش

به منظور تحلیل و بررسی چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، ضروری است که از موضوع منجی و رویکرد نجات در این ادیان درک صحیح و درستی به دست آورد. به همین دلیل، برای تحلیل و بررسی چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، مروری کوتاه بر رویکرد منجی‌گرایی در برخی از مهم‌ترین ادیان غیر ابراهیمی، ضرورت دارد. آشنایی با نگاه ادیان غیر ابراهیمی در مورد منجی و منجی‌گرایی، زمینه تبیین و تحلیل چشم‌انداز این ادیان در مورد نجات در آخرالزمان را فراهم می‌کند. به همین منظور، قبل از بررسی چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، به تاریخچه‌ای از منجی‌گرایی در برخی از شاخص‌ترین ادیان غیر ابراهیمی اشاره می‌شود:

#### ۱. منجی در آیین زرتشتی

براساس دیدگاه افرادی که تاریخ تولد زرتشت پیامبر<sup>۲</sup> را به قبل از یهود، یعنی ۱۱ هزار سال یا ۶ هزار سال ق. م می‌دانند (پوردوود، بی‌تا: ص ۲۸)؛ می‌توان ادعا کرد که اندیشه موعودگرایی در آیین زرتشت، نسبت به سایر ادیان دارای سابقه پیش‌تری است. البته قول صحیح تولد زرتشت

۱. تصویری کلی از چیزی بدون جزئیات آن (معین، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۲۰۷۳).

۲. در وسایل الشیعه ج ۱۵، باب ۴۱، چاپ بیروت، چنین روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «برای قوم مجوس پیامبری بود که کشته شده است؛ آن المجوس کان هم نبی فقتلوه و کتاب أحرقوه، اناهم نبیهم بکتاهم فی اثنی عشرالف جلدثور» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۵۶۷-۵۶۸).

را حدود سال ۶۶۰ ق. م می‌دانند (توفیقی، ۱۳۸۵: ص ۵۷). به هر حال می‌توان آیین زرتشت را از پیشگامان موعودگرایی و مسئله‌منجی در آخرالزمان دانست. برخلاف دیگر ادیان که معمولاً منتظر یک موعود نجات‌بخش هستند، زرتشتیان منتظر سه موعود می‌باشند که هر یک از آن‌ها در فاصله هزار سال از دیگری، ظهور می‌کند. بنابراین، زرتشتیان دارای موعود سه‌گانه‌ای هستند؛ در حالی که از «گات‌ها» (سروده‌های زرتشت)<sup>۱</sup> این موعود سه‌گانه، در پایان تاریخ برداشت نمی‌شود؛ با این حال از سایر کتاب‌های مذهبی زرتشتی، نظیر «یشت‌ها»<sup>۲</sup>، «بند‌هش»<sup>۳</sup>، «دینکرت»<sup>۴</sup>، «زَند و هومن یسن»<sup>۵</sup> و «جاماسب‌نامه»<sup>۶</sup> می‌توان مفهوم «سوشیانت» یا «سوشیانس» را برداشت کرد. به طور کلی، براساس کتاب‌های زرتشتی به غیر از گات‌ها، سه هزاره پایان تاریخ بشر یا سه هزار ساله چهارم، بشر شاهد ظهور سه موعود خواهد بود که عبارتند از:

۱. «أَوْخَشِيَّتِ آرْتَه»<sup>۷</sup> به معنای کسی که قانون مقدس را می‌پروراند (نیرودهنده و رواکننده قانون دین و داد زرتشت). امروزه این نام را «اوشیدر» یا «هوشیدر» می‌گویند (پورداود، ۱۹۲۷: ص ۱۴-۱۶؛ همان، ۱۳۵۶: ج ۲، ص ۱۰۰ و ۱۰۱ و رضی، ۱۳۴۲: ج ۲، ص ۷۷۷).
۲. «أَوْخَشِيَّتِ نِمَه» یا «نِمَنگه»، به معنای کسی که نماز را بر پا می‌دارد. امروزه او را اوشیدرماه یا هوشیدرماه می‌گویند. در کتاب‌های پهلوی به صورت خورشیتماه و اوشیتماه ضبط شده است (پورداوود، ۱۹۲۷: ص ۱۵).

۱. از زرتشت سروده‌هایی برجای ماند که «گات‌ها» یا «گاهان‌ها» خوانده می‌شود (به نقل از ناس، ۱۳۸۲: ص ۴۵۵، ۴۵۶).

۲. «یشت» (Yast) به هریک از ۲۱ سرودی می‌گویند که مجموعاً سومین و بلندترین بخش اوستای کنونی را تشکیل می‌دهند.

۳. «بند‌هش» را می‌توان به آفرینش آغازین معنا کرد و خود عنوان کتابی است که در قرن سوم هجری توسط «فرنبغ دادگی» گردآوری شده است.

۴. «دینکرت» (دینکرد) بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب زرتشتی است مشتمل بر نه دفتر که امروزه دو بخش نخستین آن در دست نیست (آموزگار یگانه، ۱۳۸۶).

۵. این کتاب در اصل براساس «بهن یشت» تألیف شده و مشتمل بر پیشگویی‌هایی از دوره آخرالزمان است.

۶. موضوع این کتاب پیشگویی‌های جاماسب، وزیر زرتشتی گشتاسب شاه کیانی، درباره وقایع آخرالزمان است.

7. Evakhshit. Ertah یا ukhsyat. ereta

۳. «آستوت اِرتَه»، به معنای کسی که همه از پرتو او به زندگی فناپذیر می‌رسند. استوت ارته همان سوشیانس، سومین و آخرین موعود در آیین مزدیسنا می‌باشد (همان، ۱۳۵۶: ص ۱۰۱ و ۱۰۲). در مورد سوشیانس در یسنا آمده است که «همه فروهرهای نیک توانای مقدس پاکان را می‌ستایم، از آن [=فروهر] کیومرث تا سوشیانت پیروزگر» (یسنا ۲۶، بند ۱۰). درجای دیگر نیز آمده است: «به سوشیانت پیروزگر درود می‌فرستم» (یسنا ۵۹ بند ۲۸).

بنابراین، طبق آموزه‌های آیین زرتشت، تولد پیامبر این آیین، در پایان هزاره نهم و یا آغاز هزاره دهم بوده و بعد از وی، سه پسر از نسل او خواهند آمد که موعودهای نجات‌بخش در این آیین معرفی شده‌اند و هر کدام به فاصله هزار سال خواهد آمد که آخرین آنان سوشیانس است، که در پایان هزاره دوازدهم ظهور خواهد کرد. او موعود اصلی زرتشتیان محسوب می‌شود.

## ۲. منجی در آیین هندو

تنوع و پیچیدگی عقاید در «هندویزم» دامنه‌دار و گسترده است. به بیان دیگر، هندوییزم عبارت است از سیستمی مذهبی-اجتماعی که در میان مردم سرزمین هند در قرن سوم ق.م، رشد و نمو یافته است (ناس، ۱۳۸۲: ص ۱۳۰). منجی در آیین هندوییزم «کلکی» یا «کلکین» نام دارد، که دهمین اوتاره (مظهر) ویشنو است و در پایان کلی یوگه خواهد آمد؛ زمین را از دست شاهان درنده‌خو نجات می‌دهد و دهرمه را برقرار خواهد کرد (موحدیان، ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ص ۱۱۶). او به مثابه یک براهمین، در پایان عصر کلی در قریه سمبمله زاده خواهد شد و «کاله» (زمانه) او را برخواهد انگیخت (جلالی‌مقدم، ۱۳۲۳: ص ۲۹۳).

بنابراین، در آیین هندو، از موعود نجات‌بخش، به «کلکی» نام برده می‌شود، که در پایان آخرین دوره زمانی از ادوار چهارگانه خانه جهانی، یعنی «کالی یوگه» ظهور خواهد کرد. او سوار بر اسبی سفید و با شمشیر آخته و شهاب‌گون ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را از ریشه بَرکند و عدالت و فضیلت را برقرار کند. کلکی جنبه «الوهیت» نیز دارد. او مردی الوهی و به نوعی متحد با مقام بی‌انتهای خداست (موحدیان، ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ص ۱۱۶).

## ۳. منجی در آیین بودا

تفکر منجی در آیین بودا برگرفته از اندیشه هندویی است و با دیگر آیین‌های هندی، به ویژه



آیین چین، دارای ارتباطی تنگاتنگ است. لذا در بسیاری از زمینه‌ها، این دو آیین دیدگاه مشترکی دارند؛ نظیر ادوار تاریخی و آمدن موعود برای نجات. چین، کره و ژاپن، از جمله کشورهای هستند که تحت تأثیر افکار و اندیشه موعود آیین بودا می‌باشند. نکته قابل توجه در این زمینه، آن است که ساکنان مناطق بودایی‌نشین آسیا، معتقدند که منجی در منطقه خودشان زاده خواهد شد. بنابراین، نه تنها او را بیگانه نمی‌دانند، بلکه وی را یکی از خودشان به شمار می‌آورند (لنکستر و شجاعی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۵-۲۲۱).

موعود در آیین بودا، «میتربه» نام دارد. این واژه در زبان سنسکریت از ریشه «میتره»، به معنای مهربانی و دوست‌داشتنی است؛ ولی در زبان پالی، او را «میته» می‌گویند. در الاهیات بودایی او را بودای پنج (همان، ۱۳۸۳: ص ۲۲۲) و آخرین بودا از بوداییان زمینی می‌دانند که هنوز نیامده است؛ اما روزی خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در «نمادنگاری بودایی» به هیبت مردی در وضعیت نشسته آماده برخاستن نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی برای قیام (ولفانگ شومان، ۱۳۷۵: ص ۱۲۱). برخی نیز او را «بودای هفتم» نامیده‌اند. از منظر برخی دانشمندان، اندیشه بودای آینده (موعود)، دارای ریشه ایرانی سوشیانت رهایی‌بخش است. از دیدگاه پیروان معمول، میتربه روشی بود برای ایجاد گرمه کردار نیک برای خودشان و تضمین کننده رستگاری آن‌ها در آینده. بنابراین، عنصر اولیه و سرنوشت‌ساز، آرمان میتربه است که برای هدایت بشر به دوره‌ای بهتر ظهور کرده است، یا ظهور خواهد کرد (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۳۲).

#### ۴. منجی در آیین کنفوسیوس

از جمله ادیان یا به عبارتی مکاتب دیگری که به منجی و موعود جهانی معتقد هستند؛ آیین «کنفوسیوس» و «دائو» می‌باشند. این دو آیین، دارای وجوه مشترک و متفاوتی هستند که در برخی موارد تفکر منجی در آن‌ها بسیار پُررنگ و در برخی موارد کم رنگ است. همچنین گاه تداخل آموزه دارند و هویت مستقلی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

برای نمونه در کشور چین، آیین کنفوسیوس در کنار دائو دیده می‌شود؛ زیرا کنفوسیوس عهده‌دار تبیین فلسفه سیاسی، اخلاقی و اجتماعی چینی‌ها است؛ در حالی که آیین دائو، بیان



کننده جهان بینی عرفانی آن‌ها می‌باشد. لذا کنفوسیوس در این زمینه وعده دقیقی ندارد؛ اگرچه شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان باستان را سرلوحه اندیشه‌های اصلاحی خویش قرار داده است. ایجاد حکومتی همانند حکومت پادشاهان باستان از آرمان اصلی وی تلقی می‌شود و شخص خاصی را وعده نمی‌دهد.

## ۵. منجی در آیین دائو

تفکر موعودگرایی در آیین دائو پررنگ‌تر است. به عنوان نمونه: برپایه متن «زندگی قدیس آخرالزمان و پروردگار طریقت»، نوشته شانگ چینگ؛ موعود در یک سال «جن - چن»، یعنی بیست و نهمین سال از دوره شصت ساله، «لی هونگ» ظهور خواهد کرد تا جهانی نو برپا کند که در آن، برگزیدگان تحت حکومت «قدیس آخرالزمان» زندگی کنند (موحدیان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۵). نمونه دیگر موعودباوری عمیق در آیین دائو، ظهور و بروز جریان پیامبران دروغین و مدعیان نجات‌گری در تاریخ تحولات آیین مذکور است. میرچا الیاده در دایرة المعارف دین، از متنی نام می‌برد که به جریان‌های مدعیان دروغین پرداخته است.<sup>۱</sup>

## ۶. منجی در آیین مانی

در عقاید «مانوی» نیز اعتقاد به موعود و منجی بدین نحو است که در «انجیل زنده»<sup>۲</sup> که از متون مقدس مانویان به مانی منسوب می‌باشد؛ مانی خود را «فارقلیط» خوانده است؛ یعنی همان کسی که مسیح، آمدنش را مژده داده است. در یکی دیگر از آثار ادبی دینی مانویان، به نام «زبور مانوی» که به پیروی از زبور داوود سروده شده؛ مانی همان فارقلیط معرفی شده است و او را چنین توصیف می‌کند: «او را بزرگ می‌داریم؛ فارقلیط، مانی را؛ پسر و روح القدس را؛ آنان را می‌ستاییم با راستی!» (آلبری، بی تا: مزموره ۲۲)؛ گرچه در جایی دیگر موعود دیگری به غیر از مانی نیز نوید داده شده است: «ای فارقلیط! تو از عیسی نازل شده‌ای؛ با صلح آمدی، ای خورشید نوین جان‌های آدمیان! با صلح فراز



۱. رک: الیاده، میرچا، فرهنگ دین، برگزیده مقالات دایره المعارف دین، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.

۲. انجیل زنده: این اثر به زبان سریانی نوشته شده و بخشی از آن از سریانی به یونانی ترجمه شده است.



آمدی، ای خداوندگار ما، مانی! بمای<sup>۱</sup> تو را بستاییم و موعود نوین تو را» (همان، ص ۲۲۷).  
از برخی از اسناد که سال‌ها پس از زمان مانی نوشته شده است، برداشت می‌شود که پیروان مانی به ظهور وی در آخرالزمان اعتقاد داشته‌اند. همچنین در بخش‌هایی از کتاب شاپورگان<sup>۲</sup> مانی، به ظهور او اشاره نشده است، بلکه از قراین برمی‌آید که ظهور عیسی را انتظار داشته است. بنابراین، وجود منجی و اعتقاد به آن در آخرالزمان از اعتقادات مانویان است.

### چهارچوب مفهومی پژوهش

اعتقاد به منجی و نجات‌بخش جهانی، از جمله چشم‌اندازهایی است که در برخی از ادیان غیر ابراهیمی به صورت نوعی تفکر پایه‌ای وجود داشته است و دارد. این چشم‌انداز در مکاتب و ادیان غیرابراهیمی که عمده‌ترین خاستگاه آن‌ها کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی (شامل هند، چین، ژاپن، تایلند و ویتنام) می‌باشد؛ سعی دارد تا جامعه آرمانی در آخرالزمان را ترسیم کند. در آیین زرتشت نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و آیین مذکور در خصوص نجات در آخرالزمان، چشم‌اندازهای نجات و رویکرد منجی‌گرایی را ارائه می‌کند. در این پژوهش به منظور تحلیل و بررسی چشم‌انداز در ادیان غیر ابراهیمی؛ به آن دسته از ادیان غیر ابراهیمی می‌پردازد که به نوعی به موضوع منجی و اندیشه نجات در آخرالزمان اشاره می‌کنند و با بررسی در گزاره‌های موجود در ادیان مورد مطالعه، ابعاد چشم‌انداز نجات در آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین ادیان و آیین زرتشت، هندو، بودا و کنفوسیوس به عنوان شاخص‌ترین ادیان غیر ابراهیمی مورد توجه و بررسی واقع می‌شوند.

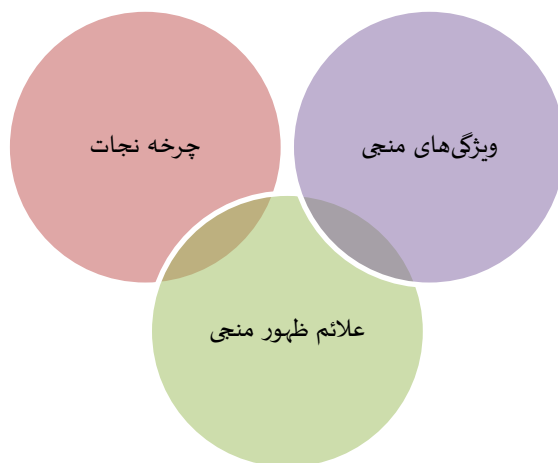
چشم‌اندازها منعکس‌کننده کشش آینده هستند (عنایت الله، ۱۳۸۸: ص ۵۰). چشم‌انداز از طریق تمرکز بر نشانه‌ها و علائم، فعالیت‌ها را جهت و سمت‌وسو می‌بخشد؛ به طوری که می‌توان فعالیت‌هایی را که به منظور تحقق چشم‌انداز صورت می‌گیرد، نظم بخشید (مونرو، ۱۳۸۵:

۱. بما Bema: جشنی مانوی است همانند عید ایستر که در ماه مارس برگزار می‌شود. در لغت به معنای «تخت و اورنگ» است. در اصل جشن عروج مینوبی مانی است.

۲. شاپورگان یا شاهپورگان، یکی از کتاب‌های مانی است که به زبان پهلوی ساسانی نوشته شده است (کریستین، ۱۳۷۴: ص ۲۸۴ و دانشنامه مزدیسنا، ۱۳۷۸: ص ۳۴۲).



ص ۱۳۴-۱۴۰). با توجه به این که چشم‌انداز بر نشانه‌ها و علائم تمرکز دارد، برای تبیین ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، باید به موضوعاتی توجه کرد که به عنوان نشانه و علائم، ایجادکننده کشش آینده هستند. با بررسی‌های انجام شده در زمینه موضوع نجات در ادیان مورد مطالعه، سه موضوع که به عنوان نشانه و علائم محسوب می‌شوند، به عنوان ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی مورد شناسایی قرار می‌گیرند. این سه موضوع عناصر مهمی هستند که چارچوب مفهومی پژوهش را شکل می‌دهند و گردآوری اطلاعات مورد نیاز بر این سه موضوع مبتنی می‌شود. در واقع این سه موضوع، در تبیین و انعکاس آینده نجات در ادیان غیر ابراهیمی، دارای نقش مهمی هستند. هر یک از ابعاد سه‌گانه چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، در تصویر شماره ۱ نشان داده می‌شود:



### تحلیل یافته‌های پژوهش

پس از بررسی گزاره‌های مرتبط با چشم‌انداز نجات در ادیان مورد مطالعه در این پژوهش؛ ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، در سه محور ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

#### ۱. ویژگی‌های منجی

ویژگی‌های منجی در چشم‌انداز آیین زرتشت، دارای خصوصیتی سه‌گانه است. به طور کلی آن‌ها (منجیان آیین زرتشتی) انسان‌های برگزیده‌ای هستند از نسل زرتشت، که باید دین او را به

کمال برسانند و این آیین را از پیرایه‌ها و بدعت‌ها دور کنند. براساس متون زرتشتی، منجی اصلی، آخرین فرد از نسل زرتشت است که نام او سوشیانس<sup>۱</sup> و مظهر تمامی انسان‌ها می‌باشد. این منجی دارای جایگاه فزایزدی است و در زمان او، کیخسرو و توس، برمی‌خیزند و او را در برقراری حکومت نیکان یاری‌اش می‌کنند. از جمله اقداماتی که وی در زمان ظهورش انجام می‌دهد، این است که به دستور او مردم جمع می‌شوند و سپاه فراهم می‌کنند و با شرک و بدعت می‌جنگند. همچنین سوشیانس مأمور زنده کردن مردگان و برپاداشتن رستاخیز (تن‌پسین) می‌باشد (شاگری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۰۰).

براساس دیدگاه زرتشتیان، سوشیانس فقط جنبه پهلوانی و جنگجویی ندارد، بلکه دارای جنبه روحانی و معنوی نیز می‌باشد. او از دیدگاه ستایش و پرستش، به جهان می‌نگرد و این جهان را از هر ظلم و ستمی پاک و جاودانه می‌کند. لذا بعد از این، دیگر همه مردم مطیع فرمان‌های دینی و با یکدیگر دوست و مهربان خواهند بود. بنابراین، می‌توان ویژگی‌های منجی در چشم‌انداز نجات در آیین زرتشت را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. منجی، نجات جمعی بشر را مورد نظر دارد؛ زیرا به جنگ دروغ و بدی می‌رود و آینده‌ای بدون شرک، دروغ و بدعت را نوید می‌دهد؛

۲. منجی، نگاه جهانی دارد و در دایره تنگ قومیت گرفتار نیست؛ برخلاف یهود که به منجی نگاه انحصارگرایانه و قومیتی دارد؛

۳. منجی، نوعی نیست، بلکه شخصی است؛

۴. منجی، دارای جنبه‌های روحانی و معنوی می‌باشد؛

۵. منجی، مأمور زنده کردن مردگان و برپاداشتن رستاخیز (تن‌پسین) است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ص ۳۶-۴۴).

اما براساس آموزه‌های هندو، منجی (کلکی) دارای جایگاه ویژه‌ای است و طبق پیش‌بینی‌ها همچون قهرمانی نیرومند، سوار بر اسب سفید قیام می‌کند و بر تمام نیروهای بشر پیروز می‌گردد.

---

۱. برخی از محققان مسلمان نام منجی موعود در کیش زرتشتی را «استدریکا» دانسته‌اند (امامی کاشانی، ۱۳۸۶: ج ۱،

همه دزدان را نابود می‌کند و زمین را به براهمینان می‌بخشد. به عصر آهن پایان خواهد داد و شیران را نابود می‌کند. او به شکل یک گول، با سری شبیه اسب ظاهر می‌شود و وقتی مأموریت خود را انجام داد، دوباره در ویشنو جذب می‌شود. در واقع منجی در چشم‌انداز هندو این‌گونه وصف می‌شود: جنگجویی زیناوند، مسلح به سپرهای جواهرنشان، در حالی که در یک دست شمشیر ویرانگر را می‌چرخاند و در دست دیگر صفحه‌ای مدور دارد (شاگری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۲۱-۲۲۲). برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های منجی در چشم‌انداز نجات در آیین هندو در ذیل ارائه می‌شود:

۱. منجی، شخصی است؛

۲. منجی، دارای جنبه الوهی است؛

۳. منجی، به لحاظ کارکرد، به نجات جمع می‌اندیشد و رسالتی معنوی و اجتماعی برعهده دارد؛

۴. منجی، به لحاظ ویژگی‌های ظاهری و شخصیتی، به منجی اسلامی شباهت عجیبی دارد؛

۵. اندیشه منجی در آیین هندو، به هیچ وجه «قوم مدار» نیست و به رغم ظاهر نژاد مدارانه

دین هندویی، کاملاً «جهان شمول» است (موحدیان عطار، ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ص ۱۱۷).

اما منجی در آیین بودایی «نجات بخشی فردی» است و اهداف اجتماعی را - لاقلاً بالاصاله - مورد توجه ندارد. لذا شاید بتوان نجات بخشی منجی بودایی را از نوع «صرفاً معنوی» تلقی کرد. او دارای خصایص بشری - الوهی و دارای رسالت جهانی است؛ زیرا شاهدهی بر عنایت ویژه او به قوم و ملت خاصی نیست. دیدگاه بوداییان نسبت به منجی «رو به آینده» است؛ گرچه بازآفرینی و رواج آموزه‌های گذشته را نیز مورد نظر دارد. منجی در آیین بودا، فقط با پایان عالم مرتبط نیست و از زمره منجی‌های «صرفاً پایانی» نمی‌باشد و می‌توان آن را از مصادیق «هزاره گویی» (به معنای عامش) محسوب کرد. به عبارت دیگر، منجی در آیین بودا دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. منجی، موعودی صرفاً معنوی است؛

۲. منجی، دارای خصایص «بشری - الوهی» است؛

۳. منجی، دارای رسالت جهانی است؛

۴. منجی، به سبب مصادق هزاره گرایی در این آیین از زمره منجی‌های «صرفاً پایانی»

نمی‌باشد (همان، ۱۱۹).

با بررسی‌های انجام شده در ادیان غیر ابراهیمی مورد مطالعه، هر یک از آن‌ها در

چشم‌اندازهایی که از منجی و رویکرد منجی گرایانه ارائه می‌کند؛ ویژگی‌هایی را برای منجی ابراز می‌دارد. جدا از اختلافات و اشتراکات موجود در ویژگی‌های ارائه شده، نکته مورد توجه در این پژوهش، این که ادیان غیر ابراهیمی مورد مطالعه در این پژوهش در چشم‌اندازی که از نجات ارائه می‌کنند، ویژگی‌های منجی، یکی از ابعاد و ارکان مهم چشم‌انداز آن‌ها محسوب می‌شود.

## ۲. چرخه نجات

دومین بُعد از ابعاد چشم‌انداز نجات در ادیان مورد مطالعه در این پژوهش، «چرخه نجات» است. غالباً در ادیان غیر ابراهیمی، پدیده هزاره‌گرایی و دوره‌های تاریخی دیده می‌شوند که براساس این دوره‌ها و هزاره‌ها ظهور منجی خود را پیش بینی می‌کنند. این دوره‌های تاریخی به دو نحو قابل بررسی و تحلیل هستند:

۱. چرخه خطی: این چرخه نجات هم در ادیان ابراهیمی و هم در ادیان غیر ابراهیمی وجود دارد. به طور کلی در این تفکر، حرکت تاریخ و سیر وجودی انسان‌ها از یک نقطه آغاز می‌شود و در یک نقطه نیز به پایان می‌رسد.

در تفکر زرتشتی، حرکت جهان به بصورت خطی است و همچون ادیان ابراهیمی، جهان را دارای آغاز و پایان می‌دانند؛ با این تفاوت که طی چند هزاره، منجیان این آیین ظهور می‌کنند و در هزاره آخر، منجی اصلی، یعنی سوشیانت ظهور خواهد کرد. بنابراین، در آیین زرتشت، برخلاف برخی از ادیان که معمولاً منتظر یک موعود نجات‌بخش هستند، سه موعود وجود دارند و هر یک از آن‌ها به فاصله سه هزار سال از دیگری ظهور می‌کند. در مورد این ادوار تاریخی، در متون زرتشتی اتفاق دیدگاه وجود ندارد. برخی از متون، جهان را متشکل از نه هزاره می‌دانند و برخی این دوره جهانی را به مناسبت دوازده برج سال طبیعی و دوازده نشان منطقه البروج، متشکل از دوازده هزاره عنوان می‌کنند. قرآینی نیز وجود دارند که رقم اصلی را، ۶ هزار سال می‌دانند و به تدریج به ۹ هزار سال و ۱۲ هزار سال افزایش یافته است (بویس، صنعتی زاده، ۱۳۷۴: ص ۳۹۱). امیل بنونیست در این زمینه می‌نویسد: «۹ هزار سال عقیده زروانیان و ۱۲ هزار سال اعتقاد مزدیسنان غیر زروانی است» (بنونیست، سرکاراتی، ۱۳۷۷: ص ۷۰ به بعد)؛ اما نیبرگ عقیده دارد: «عمر جهان بنابر رأی زروانیان، ۱۲ هزار و بنابر اعتقاد مزدیسنان غیر زروانی ۹ هزار



سال است» (نیبرگ، نجم آبادی، ۱۳۵۹: ص ۳۸۷).

۲. چرخه دوری: در حرکت دوری، تاریخ جهان، بعد از پایان یک دور، دور بعدی، در همان نقطه آغاز، مجدداً شروع خواهد شد و به این شکل نیست که جهان در یک نقطه به طور کامل پایان یابد. به عنوان مثال، ادوار تاریخی براساس آموزه‌های هندو، به شکل خطی نیست، بلکه دورانی است؛ یعنی جریانی که کلیات آن تکرار می‌شود، در پایان هر دور، وجود جهان باید به پایان برسد و پیش از آن، برای ورود به دور جدید آماده شود؛ یعنی آغاز جهان کنونی که ما در آن زیست می‌کنیم، نقطه پایان مرحله‌ای دیگر از هستی است و دور وجود فعلی در جایی به نهایت خود خواهد رسید که آغازی خواهد بود بر دور بعدی و این حرکت دایره‌وار را حدی نیست. از دیدگاه برخی از ادیان، نظیر بودا و هندو حرکت تاریخ دورانی است (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۴). اصل اعتقاد به وجود اعصار در آیین هندویی، امری است که به فرجام‌شناسی آن آیین مرتبط است. در این آیین، چهار عصر «یوگه» (کریته، ترتا، دواپره و کلی) وجود دارند و هر چهار عصر با دوره‌های آغازین و پایانی هر یک، در مجموع «مهایوگه»، ۱۲ هزار سال را تشکیل می‌دهند که هر سال آن معادل ۳۶۰ سال انسانی است و لذا مجموعاً ۴۳۲ هزار سال را در برمی‌گیرد. یکصد مهاییوگه یک کَلِپه را می‌سازند و در پایان عصر کلی از هر کَلِپه، نابودی جهان با آتش‌سوزی و سیل به وقوع خواهد پیوست (جلالی مقدم، ۱۳۲۳: ص ۲۸۵-۲۸۷). هر یوگه با انهدام جهان پایان یافته و با خلق دوباره آن، یوگه دیگری آغاز می‌شود (همان، ص ۲۹۲).

چرخه نجات در آیین بودایی همچون آیین هندویی است. براین اساس، حرکت و جریان وجود و تاریخ به صورت دوری است. آنان برای جهان، آغاز و پایان واحدی متصور نیستند. بنابراین، چرخه نجات براساس اعتقاد آن‌ها به صورت دوری است. هر دور، بعد عظیمی را شامل است که پایان آن، آغازی برای دور بعدی خواهد بود؛ جریانی که به شکل لایتناهی ادامه می‌یابد. ادوار جهان (یوگه‌ها) و دوره‌های بزرگ‌تر (کَلِپه‌ها به سنسکریت و کِپه‌ها به پالی) در آیین بودایی، مشابه اعتقادات هندویی هستند؛ گرچه دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشند. یوگه‌ها با کلی یوگه شروع می‌شوند، تا به کریته یوگه برسند؛ سپس با ترتیب مخالف آن پیش می‌روند تا باز به کلی یوگه برسند. لذا به جای یک مهاییوگه مرکب از چهاریوگه، در این جا هر مهاییوگه از هشت دوره تشکیل و «آنتره کَلِپه» نامیده می‌شود.



با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، چرخه نجات در ادیان غیر ابراهیمی، به دو صورت «خطی» و «دوری» مطرح شده است. وجه تمایز هر یک از این ادیان را می‌توان در نگاه و رویکرد آن‌ها به مقوله هستی و جهان برشمرد.

### ۳. علائم ظهور منجی

یکی دیگر از ابعاد مورد توجه در چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی مورد مطالعه در این پژوهش؛ علائم ظهور می‌باشد. به طور کلی می‌توان برای ظهور منجی علائمی را بیان کرد که براساس تعالیم ادیان مذکور، در برخی موارد، آن علائم به صورت مشترک و در برخی موارد نیز متفاوت هستند. علائم ظهور معمولاً به سه دوره «قبل از ظهور»، «زمان ظهور» و «بعد از ظهور» تقسیم می‌گردند:

#### ۳-۱. قبل از ظهور

علائمی را که در چشم‌انداز زرتشتیان حول مبحث وضعیت جهان، پیش از ظهور منجی ذکر گردیده و بدین نحو توصیف شده است:

جهان انباشته از ظلم و ستم، سیاهی و تباهی است که در آن همه کس و همه چیز گرفتار سختی‌ها، زشتی‌ها و نابسامانی‌ها می‌شوند و راهی جز فساد و نابودی نمی‌پیمایند. بنا بر متن زند و هومن یسن در ابتدای هزاره زرتشت که از آن با عبارت «پست‌ترین زمان» یاد شده است، دیوان گشاده موی خشم‌تخمه بر ایران چیره می‌شوند و به زشت‌کامی و ستم فرمانروایی و همه چیز را تباہ و ویران می‌کنند. همه چیز واژگونه شده و نه تنها شیرازه امور فردی و اجتماعی از هم گسیخته، بلکه نظام طبیعت نیز جریان طبیعی و همیشگی خود را از دست داده است. ظهور ابرهای بی‌باران در آسمان، وزش بادهای بی‌موقع سرد و گرم و ایجاد فصول نامنظم سال، همراه با گرما و سرمای سخت و طاقت فرسا، خشک شدن چشمه‌ها و بی‌بر شدن دانه‌ها و غله‌ها از آن جمله‌اند (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۱۹). انسان‌ها همانند گیاهان، کم‌تر زاد و ولد می‌کنند و این تغییرات به چهارپایان نیز راه یافته است؛ به طوری که چهارپایان اهلی چون گاو و گوسفند و اسب کم‌تر می‌زایند و شیر آن‌ها کم‌چربی و موی آنان کم‌تر و پوست‌شان تَنگ‌تر است و اسب کارزاری زور و نیروی کم‌تری دارد (أصف‌آگاه، ۱۳۸۷: ص ۴۵-۴۷).



به عنوان نمونه در اوستا این علائم بدین نحو بیان گردیده است:

و تخم، بر ندهد بر دانه‌ها در ده، هشت بکاهد [و] دو بیفزاید و آن که بیفزاید، سپید نباشد و خوردنی و دار و درخت بکاهد. اگر یکصد بگیرد، نور بکاهد [و] ده بیفزاید. آن را که بیفزاید، طعم و مزه نباشد. مردم کم‌تر زاینده و هنر و نیروی ایشان کم [باشد] و فریفتار و بددادر [ستمگرترا] باشند و سپاس و آزرمان و نمک ندارند. ایشان در نود [سالگی] نیز محبت ندارند (همان، ص ۱۸-۲۰).

اتفاقات پیش از ظهور در چشم‌انداز آیین هندو به سبب تفکر دوری که آیین مذکور به وجود و تاریخ دارد، به نحو دیگری است؛ گرچه در این آیین نیز منجی پس از یک دوره سختی و دشواری ظهور می‌کند و در اعتقاد اصلی هندوان آمده است که هر یوگه با انهدام جهانی به پایان می‌رسد و با خلق دوباره آن، یوگه دیگری آغاز می‌گردد (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۲۳)؛ چون جهان حالت دوری دارد و باید یک دور تمام شود تا دور بعد آغاز گردد. بنابراین، در پایان یک دور و قبل از ظهور کلکی و یوگه جدید، برخی وقایع در جهان رخ می‌دهد. ویشنو بورانه این مسئله را چنین توصیف می‌کند:

شاهان زمین روحیه‌ای سرسخت و خلق و خویی خشن خواهند داشت و همیشه به دروغ و شرارت معتاد خواهند بود. آن‌ها برای زنان، کودکان و گاو، مرگ به ارمغان می‌آورند و اموال پیروان خود را متصرف می‌شوند؛ در حالی که قدرت و اراده محدود دارند. در بیش‌تر نقاط به سرعت صعود می‌کنند و فرو می‌افتند و زندگی‌هایشان کوتاه و آرزوهایشان اشباع شدنی خواهد بود. آن‌ها رحم و مروت کمی از خود نشان می‌دهند. مردم کشورهای مختلف که با ایشان درمی‌آمیزند، از آن‌ها پیروی خواهند کرد و وحشیان تحت حمایت شهرباران نیرو می‌گیرند؛ درحالی که از قبایل پاک‌تر غفلت می‌شود و مردمشان پراکنده و نابود می‌گردند. ثروت و تقوا روز به روز کاهش می‌یابد، تا این که جهان از آن‌ها تهی می‌شود. دروغ، تنها وسیله رسیدن به موقعیت خواهد بود. زنان تنها برای ارضای تمایلات جنسی خواسته خواهند شد و زمین فقط برای معادنش عزیز خواهد شد. ریسمان براهیمنی تعیین‌کننده یک براهیمن خواهد بود (همان، ص ۲۲۴).

بر اساس آیین بودا، جهان قبل از ظهور میتریه، خصوصیات و وقایعی دارد که در مهاونسه از متون «تهره واده»، به بیان مطالبی حول مسئله علائم ظهور می‌پردازد:

میتریه پیش از نزول به زمین در آسمان توشیته اقامت می‌کند. زمان نزول او هم به دقت





معین شده است. پس از آن که شاکیه مونی به پری نیروانه رسید، جهان در سراسیابی و انحطاط سیر خواهد کرد و سرانجام ۵ هزار سال پس از آخرین بودا به منتهای زوال خود خواهد رسید. در این زمان، حداکثر عمر انسان ۱۰ سال خواهد شد. پس در جریان دوری عالم، باز وضعیت آرمانی تکرار می‌شود (سیر تاریخی دورانی) و عمر انسان به ۸۰ هزار سال می‌رسد و همه چیز آماده قبول تعلیم بودا می‌گردد. پس حکمرانی خواهد آمد که رفاه و تعالی را برای آدمیان فراهم می‌کند و هنگامی که این بهشت آماده شد، میتربه از آسمان توشیته فرود می‌آید (جلالی مقدم، ۱۳۲۳: ص ۲۹۹).

او برای مردم رفاه و بهروزی می‌آورد و آموزه‌های بودا را ترویج می‌کند. آن گاه که چنین فضایی بهشت‌گون فراهم آمد، میتربه از آسمان توشیته نزول می‌کند؛ بودایی خویش را به کمال می‌رساند و درمه را به فرهیختگان می‌آموزد. مَهاگشیپه از مریدان برجسته بودا، از خلسه‌ای که پس از پری نیروانه، معلم خویش به آن فرورفته بود؛ بیرون می‌آید تا بار دیگر بودا را خدمت کند و آموزه‌های آن روشنی یافته را بشنود (موحدیان عطار، ۱۳۸۰: ص ۱۱۸).

### ۳-۲. زمان ظهور

درآیین زرتشتی، به سبب اعتقاد به سه منجی، سه علائم برای زمان ظهور منجیان خود مطرح است. براساس متون زرتشتی، جهان در آستانه آمدن «هوشیدر» گرفتار نابسامانی و آشوب است. با زاده شدن هوشیدر، مردی سیاه درفش در خراسان پیدا می‌شود و پدشخواران را بیرون رانده و کشور ایران را به پریشانی و بی‌سامانی می‌کشد و چند سالی پادشاهی بد کند. پس از او، هیون و ترک به ایران می‌تازند و چند سالی با ویرانی و تباهی حکومت می‌کنند، تا این که مردی که او را «کی بهرام» می‌خوانند، از سوی کابلستان یا هندوستان برمی‌خیزد و زمام امور را در دست می‌گیرد. پس از بهرام ورجاوند و به قولی یک سال پیش از او، پشیوتن گشتاسپان از کنگدژ قیام و دین مزدیستان را روا می‌کند. در این هنگام، هوشیدر به سی سالگی می‌رسد و با آغاز هزاره وی، خورشید به مدت ده شبانه روز در اوج آسمان، در همان جا قرار می‌گیرد که در ابتدای خلقت آفریده شده است. بدین ترتیب، مؤمنان می‌دانند که هزاره زرتشت به پایان رسیده و بر ناباوران و همگان روشن می‌گردد که پدیده‌ای شگفت و خارق‌العاده به وقوع پیوسته است (راشدمحصل، ۱۳۷۰: فرگرد ۷، بند ۳). وقایع شگفت‌انگیزی که در زمان ظهور هوشیدر رخ می‌دهد، عبارت



است از: قرار گرفتن خورشید و ایزدمهر به مدت ده شبانه روز در اوج آسمان و مدت سه سال، گیاهانی که به کار نیابند، خشک نمی‌شوند و یا به روایت دینکرد، برای گیاهان سه سال همیشه بهار خواهد بود. سیصد سال پس از آن آغاز هزاره، انواع درندگان و جانوران وحشی به هلاکت می‌رسند و گرگ سردگان (انواع گرگ) نابود می‌شوند.

دومین منجی، یعنی «هوشیدرماه» نیز، مانند هوشیدر، در سی‌سالگی به دیدار هرمزد و امشاسپندان نایل می‌شود و به نشانه این دیدار، خورشید، مدت بیست شبانه‌روز در اوج آسمان توقف می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۶۷: فصل ۴۷، بند ۲۲ و ۲۳). با این حادثه، مؤمنان متوجه می‌شوند که هزاره هوشیدر به پایان رسیده است و ناباوران نیز شاهد تغییراتی در آسمان می‌شوند. فردای آن روز، روشن و بارانی است (دینکرد، ۱۳۹۷: ص ۶۷۱). اتفاقات عمده زمان هوشیدرماه عبارتند از: خورشید مدت بیست شبانه روز در میان آسمان مستقر می‌شود و شش سال گیاهانی که به کار نیابند، خشک نمی‌گردند (میرفخرایی، ۱۳۶۷: فصل ۴۸، بند ۲۴)؛ یا براساس روایت بندهش، شش سال به گیاهان سرسبزی داده می‌شود (بهار، ۱۳۶۹: ص ۱۴۳)؛ شیر گوسفندان و چهارپایان به حداکثر می‌رسد؛ به طوری که شیر یک گاو برای هزار نفر کافی است و به گونه‌ای می‌شود که مردم با صرف یک وعده غذا، برای سه شبانه روز سیر می‌شوند (دینکرد، ۱۳۹۷: ج ۷، فصل ۹، بند ۱). پیری و خشم و کینه و آز و نیاز و شهوت کاستی می‌پذیرد و آشتی، دوستی، رادی و رامش افزایش می‌یابد. در آن دوران، به روایت صد در بندهش، همه کیش‌ها و آیین‌ها جز کیش مزدیسنی باطل می‌شوند و همه مردم به پیغمبری زرتشت و رسالت موعودهایش ایمان می‌آورند (صد در بندهش، بمبئی، ۱۹۰۹: در سی و پنجم، بند ۳۸) و ده‌ها نشانه دیگر (آصف‌آگاه، ۱۳۸۷: ص ۵۶-۵۸). در زمان هوشیدرماه، ضحاک که در کوه دماوند به بند کشیده شده است، در اواخر دوران هوشیدر از بند فریدون رها می‌شود و فرمانروایی خود را بر دیوان و مردمان از سر می‌گیرد (همان، ص ۵۷ و ۵۸).

«سوشیانت»، آخرین نجات‌بخش آیین زرتشتی است که به زمین می‌آید تا جهان را از آلودگی‌ها



و ناپاکی‌ها پاک کند.<sup>۱</sup> سوشیانس (سوشیان‌ت)، همانند خورشید نورانی است که فرّه کیانی با اوست. با ظهور او دین مزدیسنی کمال می‌پذیرد و استوار می‌ماند. دوران او فقط پنجاه و هفت سال است. او نیز مانند دو موعود دیگر، در سی سالگی به دیدار هرمزد و امشاسپندان می‌شتابد و با آنان گفت‌وگو می‌کند. به نشانه این دیدار، خورشید، مدت سی شبانه‌روز در میانه آسمان مستقر می‌شود؛ درست همان‌گونه که در آغاز آفرینش بوده است و مردمان می‌فهمند که بار دیگر با حادثه شگفت‌انگیزی روبه‌رو خواهند شد. کیخسرو سوار بر «وای درنگ خدای»<sup>۲</sup> به استقبال سوشیانس (سوشیان‌ت) می‌آید و کارها و افتخارات خویش، از قبیل برافکندن بتکده کنار چیچست و کشتن افراسیاب تورانی را برای وی بازگو می‌کند. در طول مدت پنجاه و هفت سال (دوران سوشیان‌ت) کیخسرو فرمانروای هفت کشور و سوشیانس (سوشیان‌ت) موبدان موبد است (آصف آگاه، ۱۳۸۷: ص ۵۸ و ۵۹). دوره پنجاه و هفت ساله هزاره سوشیانس (سوشیان‌ت)، دوره کمال و رشد موجودات اورمزدی است. همه دیوان از نسل دوپایان و چهارپایان نابود می‌شوند و همه زشتی و دروغ دیو آفریده و نیز بیماری، پیری، مرگ، آزار، ظلم، بدعت و همه بدی‌ها از میان می‌روند و مردمان، مطیع فرمان‌های دینی می‌شوند و همه در کنار یکدیگر به خوشی و شادمانی زیست می‌کنند (همان، ص ۵۹-۶۰).

اما علائم ظهور منجی در آیین هندو و بر اساس کلی یوگه، این چنین است: مردان را همسرانشان هدایت می‌کنند؛ زنان بی‌حیا شده، گستاخ و شهوت‌ران هستند؛ آن‌ها از دزدان و تباهاکاران بچه‌های بسیار می‌آورند؛ بازگانان پرفریب، معاملات را اداره می‌کنند؛ شاهان، ستمگر و خونریز می‌شوند؛ رؤسای خانواده‌ها وظایف خود را فراموش کرده در خیابان‌ها گدایی می‌کنند و برهمنیان به سطح شورده‌ها فرو می‌افتند؛ خشکسالی و سیل، محصولات را نابود و جنگ و قحطی زمین را از ساکنان خالی می‌کنند. فی‌الجمله شرایط جهان به صورتی می‌شود که خردمندان برای ظهور کلکی نابود کننده، دست به دعا بر می‌دارند (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸:

۱. در این‌که او آخرین آفریده هرمزدی است، در فروردین پست، بند ۱۴۵ آمده است: «فره‌وشی پاکان نیک توانا را می‌ستاییم از کیومرث تا سوشیانس پیروزگر» (نجات‌بخشی در ادیان، ۱۳۸۱: ص ۴۰).

۲. «وای» در پهلوی و اوستایی به معنای فضا و باد و نیز نام ایزد جنگ است و پانزدهمین شیت اوستا به نام اوست. در متون متأخر زرتشتی «وای» به دو موجود هرمزدی و اهریمنی تقسیم می‌شود.

ص ۲۲۴). علامت ظهور در چشم انداز نجات در بهاگوتیه چنین آمده است:

عصر ویرانی، آنچنان خوفناک است که در آن هنگام به مدت یک صد سال ابرها به زمین نخواهند بارید؛ مردمان هیچ چیز برای خوردن نخواهند یافت و انسان‌ها در فشار گرسنگی قرار خواهند گرفت که به ناچار یکدیگر را خواهند خورد. مردمانی که این چنین از نیرو آکنده شده‌اند، به تدریج خودشان را به سوی نابودی نهایی خواهند راند (همان).

این وقایع ترسیمی از علائم ظهور در چشم انداز نجات در آیین هندو می‌باشد. بر اساس منابع مانوی نیز برخی علائم برای زمان ظهور منجی در این آیین ذکر شده‌اند. وقایعی که با ظهور مصادف می‌شوند، عبارتند از: علامات شگفت‌انگیزی که در آسمان پدید می‌آیند و بر آمدن «خردیشهر ایزد» دلالت می‌کنند و دانش را پیش از تکمیل فرشگرد به دنیا می‌آورند؛ فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه اهل دنیا پیام می‌فرستند؛ اما اشخاص شرور، او را انکار و تکذیب می‌کنند. از طرف دیگر، پنج تن از نگهبانان پیروزگر آسمان‌ها و زمین‌ها با پرهیزکاران و دیوان فروتن به پرستش او سرفرود می‌آورند (هدایت، ۱۳۸۳: ص ۲۵-۲۶).

### ۳-۳. بعد از ظهور

در اوستای جدید، علائمی که برای بعد از ظهور منجی ذکر گردیده‌اند، عبارتند از:

۱. نابودی اهریمن و بازگشت به جهان پاک و عاری از ظلم و ستم؛

۲. گسترش دین و اخلاق؛

۳. تشکیل حکومت جهانی؛

۴. اجتناب ناپذیر بودن جنگ؛

۵. فراوانی نعمت و آسایش (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸: ص ۲۰۳-۲۱۰).

اما در آیین بودا، جهان بعد از ظهور میتریه این‌گونه توصیف شده است:

در این جهان، ساکنان بی‌شمار زمین هیچ جنایتی نمی‌کنند و عمل بدی از ایشان سر نمی‌زند و از خوبی کردن مسروند. مردم بدون ضعف و نقیصه خواهند بود. آنان قوی، بزرگ و شادمانند؛ درحالی که بیماری بسیار کمی در میان آن‌ها وجود خواهد داشت. آن‌ها از رنج خارها آزاد خواهند بود و با برگ‌های سبز خود را خواهند پوشاند. آن‌ها بدون هیچ



زحمتی برای خود برنج فراهم می‌آورند و در این جهان است که میتربه دهرمة  
(دَهرَم = دَرَم) - به معنای دین حقیقی - را اعلام خواهد کرد (زهادت، ۱۳۹۹: ص ۱۲۹).

## نتیجه‌گیری

«چشم‌انداز نجات» عامل مؤثری برای ایجاد حس نجات‌خواهی و تحقق نجات در جوامع بشری محسوب می‌شود. چشم‌انداز نجات این قابلیت را دارد که تمام ظرفیت‌های موجود در جوامع بشری را در سمت و سوی نجات و رویکرد منجی‌گرایی قرار دهد. ادیان غیر ابراهیمی در مورد مسئله منجی و نجات دارای آموزه‌هایی هستند که در مطالعات مختلف به آن‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش آنچه مورد توجه قرار گرفته، تبیین ابعاد چشم‌انداز ادیان شاخص غیر ابراهیمی در زمینه نجات و رویکرد منجی‌گرایی است. به همین دلیل، پژوهش پیش‌رو، با تمرکز بر آموزه‌های ارائه شده در ادیان غیر ابراهیمی شاخص و مطرح در جهان، سعی کرده است ابعاد چشم‌انداز نجات را مورد شناسایی و تبیین قرار دهد. براساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی دارای ابعاد سه‌گانه «ویژگی‌های منجی»، «چرخه نجات» و «علائم ظهور منجی» می‌باشد. این ادیان با ترسیم این سه محور در چشم‌انداز نجات سعی کرده‌اند تصویری از آینده مطلوب را پیش‌روی بشر قرار دهند. هر یک از ادیان مورد مطالعه در این پژوهش، رویکردهای خاصی در مورد منجی و نجات دارد؛ اما آنچه به عنوان وجه مشترک همه ادیان مذکور در ترسیم و به تصویر کشاندن چشم‌انداز نجات قابل توجه است، توجه آن‌ها به ویژگی‌های منجی، چرخه نجات و علائم ظهور منجی است که هر یک از این موضوعات به عنوان یک جزء از چشم‌انداز آن‌ها محسوب می‌شود. همچنین می‌توان به این نکته اذعان کرد که از منظر ادیان غیر ابراهیمی، موضوعات سه‌گانه ویژگی‌های منجی، چرخه نجات و علائم ظهور منجی از دغدغه‌ها و اهم مسائل این ادیان در موضوع نجات است. به همین دلیل، به نوعی سعی شده است در آموزه‌هایشان تصویری از این سه بُعد را ترسیم کند.

براساس بررسی‌های انجام شده در مورد چشم‌انداز نجات در ادیان غیر ابراهیمی، پیشنهاد می‌شود:

- چشم‌انداز نجات با رویکرد آینده‌پژوهانه در ادیان غیر ابراهیمی نیز مورد بررسی قرار گیرد؛
- مزیت‌های چشم‌انداز نجات در آموزه‌های اسلامی با سایر ادیان غیر ابراهیمی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.



## منابع

- قرآن کریم.
۱. آصف آگاه، سیدحسن (۱۳۸۷). **سوشیانت منجی ایرانویچ**، قم، انتشارات آینده روشن.
  ۲. آلبری، سی. آرس (۱۳۷۵). **زبورمانوی**، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، زمزمه ۲۲، تهران، فکرروز.
  ۳. آموزگار یگانه، ژاله (۱۳۸۶). **دینکرد**، تهران، نشر معین.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
  ۵. الهی نژاد، حسین (تابستان ۱۳۸۶). «**آینده نگری و فرجام تاریخ بشر**»، انتظار موعود، شماره ۲۱، ص ۸۱-۱۲۲.
  ۶. امامی کاشانی، محمد (۱۳۸۶). **خط امان**، مشهد، آستان قدس رضوی.
  ۷. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۸). **دانشنامه مزدیسنا (واژه نامه توضیحی آیین زرتشت)**، تهران، نشر مرکز.
  ۸. انوری، حسن (۱۳۸۲). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، نشر سخن.
  ۹. بهار، مهرداد (۱۳۶۹). **بندش**، تهران، انتشارات توس.
  ۱۰. بنویست، امیل (۱۳۷۷). **دین ایرانی بر پایه متن های معتبر یونانی**، مترجم: بهمن سرکاراتی، تهران، انتشارات قطره.
  ۱۱. بویس، مری (۱۳۷۴). **تاریخ کیش زرتشت**، مترجم: همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات توس.
  ۱۲. بی نا (۱۹۰۹م). **صد در نشر و صدر در بندش**، مصحح: اروادبمانجی ناصروانجی دهابهار، بمبئی، اوقاف پارسی.
  ۱۳. پوردوود، ابراهیم (بی تا). **اوستا، گات ها یا گاهان**، بی جا، بی نا.
  ۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۹۲۷م). **رساله سوشیانت**، بمبئی، انتشارات دینشاه جی جی باهای ایرانی.
  ۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۶). **ویشت ها**، تهران، انتشارات تهران.
  ۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۹۲۷م). **تصحیح و تفسیر گاهان**، بمبئی، انتشارات دینشاه ایرانی، انجمن ایرانیان زرتشتی.
  ۱۷. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). **مدیریت راهبردی عصرمدار رویکرد آینده پژوهانه به منافع عمومی**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
  ۱۸. توفیقی، حسین (۱۳۸۵). **آشنایی با ادیان بزرگ**، تهران، انتشارات سمت.
  ۱۹. جلالی مقدم، مسعود (۱۳۲۳). **مقالات و بررسی**، دفتر ۷۱، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه تهران.



۲۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). **گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان**، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۱. حسینی آصف، سیدحسین (بهار ۱۳۸۴). «**باورشناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف**»، انتظار موعود، شماره ۱۵، ص ۱۴۹-۱۶۶.
۲۲. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۵). **زند وهومن یسن**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). **نجات بخشی در ادیان**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت، نشر دارالشامیه.
۲۵. رستمیان، محمدعلی (پاییز ۱۳۸۳). «**گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی**»، نشریه اندیشه دینی، شماره ۱۲، ص ۴۷-۷۸.
۲۶. رضائیان، علی (بهار و تابستان ۱۳۸۲). «**هدایت از طریق چشم انداز و ارزش ها**»، مجله سخن سمت، شماره ۱۰، ص ۲۱-۳۰.
۲۷. رضی، هاشم (۱۳۴۲). **فرهنگ نامه های اوستا**، تهران، انتشارات فروهر.
۲۸. زهادت، عبدالمجید، یوسفیان، مهدی (۱۳۹۹). **معارف و عقاید ۵**، قم، نشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
۲۹. شاکری زوردهی، روح الله (۱۳۸۸). **منجی در ادیان**، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۰. عنایت الله، سهیل (۱۳۸۸). **پرسش از آینده: روش ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی**، مترجم: مسعود منزوی، تهران، موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۱. فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ق). **العین**، نشر موسسه دارالهجره، قم.
۳۲. فضیلت، فریدون (۱۳۹۷). **دینکرد**، بی جا، نشر پرسم.
۳۳. کریستین، سن آرتور (۱۳۷۴). **ایران در زمان ساسانیان**، مترجم: رشید یاسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۳۴. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). **کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). **افق جهانی مدل مدیریت راهبردی موعودگرا**، تهران، دانشگاه امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف.



۳۶. لنکستر، لوئیس (بهار ۱۳۸۳). *میتریه، موعود بودایی*، مترجم: علی رضا شجاعی، نشریه هفت آسمان، سال ششم، ش ۲۱.
۳۷. موحدیان عطار، علی (زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱). مقاله «گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف»، فصل نامه هفت آسمان، شماره ۱۲-۱۳.
۳۸. \_\_\_\_\_ (بهار ۱۳۸۳). «گونه شناسی اندیشه مهدویت»، فصل نامه هفت آسمان، سال ششم، ش ۲۱.
۳۹. مونرو، مایلس (۱۳۸۵). *قدرت چشم انداز*، مترجم: فرزانه میرشاه ولایتی، تهران، مرکز آینده پژوهشی علوم و فناوری دفاعی.
۴۰. میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴۱. نیبرگ هنری، ساموئل (۱۳۹۵). *دین های ایران باستان*، مترجم: سیف الدین نجم آبادی، تهران، انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها.
۴۲. ولفگانگ شومان، هانس (۱۳۷۵). *آیین بودا*، مترجم: ع. پاشایی، تهران، انتشارات فیروز.
۴۳. هدایت، صادق (۱۳۸۳). *زند و هومن یسن*، بی جا، نشر جامه دران.
۴۴. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
45. [www.wfs.org/methods/visioning](http://www.wfs.org/methods/visioning)